

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه چهل و هشتم، ۱۰ آذر ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی / شرائط صحت شرط

رابعا مرحوم آیت الله خوئی نسبت به نفس معلق علیه در موارد شرط معلق (بیع مشروط به خیاطه عند مجئ زید) تحلیلی نداشتند در حالی که به نظر می رسد شناسایی حقیقت مشروط علیه نتیجه ی مسأله را مشخص می کند زیرا:

- اگر التزام و تعهد به فعل شرط شده باشد — در این صورت اساساً إنشاء و فعلی و منشأ و التزام بدان نیز فعلی است هرچند که متعلق تعهد استقبالی می باشد. بنابراین در این فرض تعلیقی وجود ندارد تا نوبت به واکاوی معلق (إنشاء و منشأ و التزام به منشأ) برسد بلکه نهایتاً چنین عقدی نظیر واجب معلق (وجوب حج مستطیع معلق بر مجئ أشهر حج) خواهد بود که التزام به امر متأخری تعلق گرفته است.

- اگر در موارد شرط معلق، نفس فعل شرط شده باشد — در این صورت إنشاء و منشأ فعلی است و نظیر واجب مشروط خواهد بود که لازمه ی آن تحقق فعلی مشروط است اگرچه در فرض مسأله مشروط به شرط متأخر می باشد و عدم تحقق شرط در بستر خود کاشف عدم تحقق اصل إنشاء است نه اینکه موجب خیار فسخ باشد و ادعای تعلیق إنشاء یا التزام به منشأ ممکن نمی باشد. اگر گفته شود در موارد شرط متأخر، اشتراط قطعی و شرط مربوط به آینده است اما در مانحن فیه نه تنها شرط مربوط به آینده بلکه معلق و اصل اشتراط احتمالی است، می گوییم که این ذو وجه بودن اشتراط ضرری به مسأله نمی رساند زیرا در يك فرض (عدم مجئ زید) إنشاء فعلی و مطلق و در يك فرض (مجئ زید) فعلی و مشروط خواهد بود (در هر دو صورت إنشاء فعلی است) در حالی که آنچه مضرّ به صحت عقد است، تعلیق إنشاء می باشد.

مختار در مسأله

به نظر می رسد دلیلی بر بطلان تعلیق شرط وجود ندارد و با توجیهات سابق ضرری به صحت عقد نمی رساند.

جمع بندی

از میان نه شرطی که برای صحت شروط ضمن عقد شمرده شده است چهار شرط معتبر می باشد:

- شرط فی نفسه جائز باشد.
- شرط مخالف با قرآن نباشد.
- شرط مخالف با مقتضای عقد نباشد.
- شرط مجهول (جهل موجب غرر) نباشد.

فائدة

بعد از بیان شرائط صحت شرط ضمن عقد و شناسایی شروط صحیح و فاسد نوبت به شناسایی احکام و آثار شرط صحیح و فاسد خواهد رسید. این مبحث در دو مقام پیگیری خواهد شد.

مقام اول - احکام شرط صحیح

اگر شرطی در ضمن عقد به صورت صحیح واقع شود (خواه شرط فعل باشد و خواه شرط صفت یا نتیجه)، نسبت به احکام و آثار آن سه نظریه کلی وجود دارد:

- شرط هم مستتبع حکم تکلیفی است (اگر شرط فعل باشد) و هم حکم وضعی (اگر شرط نتیجه باشد).
- شرط فقط مستتبع حکم تکلیفی است (کما ادعی الشیخ الأنصاری).
- شرط مستتبع هیچ حکمی نیست و صرفاً موجب ثبوت خیار فسخ می باشد (کما ادعی الشهید الأول).

مرحوم آیت الله خوئی ضمن ردّ دو قول اخیر بدنبال اثبات نظریه اول هستند . [1]ایشان می فرمایند گویا مرحوم شیخ انصاری مدلول ادله ی وفاء به شرط (فلیف بشرطة - المؤمنون عند شروطهم) را وجوب وفاء به مضمون شرط (حکم تکلیفی) دانسته است که بر این اساس برای اثبات آثار وضعی شرط نتیجه (حتی آثاری که شرعاً منحصر به سبب خاصی نیست) دلیلی وجود نخواهد داشت و اعتبار شرط صفت نیز از باب خیار تخلف شرط می باشد ؛ و حال آنکه

مفاد ادله ی وفاء به شرط (فلیف بشرطه - المؤمنون عند شروطهم) ملاصقه مؤمن به شروط خویش می باشد و این عدم انفکاک از لوازم ایمان شمرده شده و بدیهی است که آثار پایبندی مؤمن به شروط خود به حسب نوع شرط، مختلف خواهد بود فلذا اگر شرط فعل باشد، اثر آن حکم تکلیفی و اگر شرط نتیجه باشد، حکم وضعی می باشد.

[1] مصباح الفقاهة، الخوئی، السید أبوالقاسم، ج ۷، ص ۳۵۹.